

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: متوسطه اول، پایه هشتم
 نام پدر:
 شماره داوطلب:
 تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
 دبیرستان غیردولتی پسرانه سرای دانش واحد حافظ
 آزمون پایان ترم نوبت اول سال تمصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: **املاء هشتم**
 نام دبیر: **ابولفضل افروغ**
 تاریخ امتحان: ۱۴۰۰/۱۰/۷
 ساعت امتحان: **۸ صبح**
 مدت امتحان: **۴۵ دقیقه**

محل مهر و امضا: مدیر		نمره به عدد: نمره به حروف:	نمره به عدد: نمره به حروف:
		نام دبیر:	تاریخ و امضا:
ردیف	سؤالات	نام دبیر:	تاریخ و امضا:
۴	<p>تاج عزت بر سرم بنهادی گوهر شوکر عطایت سفتن</p>	<p>در دولت به رخم بگشادی حد من نیست ثنایت گفتن</p>	۱
۴	<p>اگر در تماشای یکی از پرهای طاووس دقت کنی، لحظه‌ای به سرخی گل، و لحظه‌ای دیگر به سبزی و گاه به زردی زر ناب، جلوه می‌کند. بر فراز گردن طاووس، به جای یال، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار روئیده است.</p>		۲
۴	<p>بهلول گفت: « تو دعوی دانایی می‌کردی، اکنون به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم. بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید.»</p>		۳
۴	<p>این کانون روشنی و راستی، این کشور مردان گرد، یلان پُر دل ، دلیران و شیران، پهلوانانی نامدار، سرزمینی است که ما بدان می‌نازیم و سر از همگنان برمی‌افرازیم.</p>		۴
۴	<p>بر سرِ تختی نشسته با غرور سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش</p>	<p>پایه‌های بُرجش از عاج و بلور رعد و برق شب، طنین خنده‌اش</p>	۵



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
 دبیرستان غیر دولتی پسرانه سرای دانش واحد حافظ
کلید سؤالات پایان ترم نوبت اول سال تمصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: املاء هشتم
 نام دبیر: ابولفضل افروغ
 تاریخ امتحان: / / ۱۴۰۰
 ساعت امتحان: صبح / عصر
 مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	- در دولت به رخم بگشادی حد من نیست ثنایت گفتن (درس هشتم، آزادگی، صفحه ۶۰)	تاج عزت بر سرم بنهادی گوهر شوکر عطایت سفتن
۲	- اگر در تماشای یکی از پرهای طاووس دقت کنی، لحظه‌ای به سرخی گل، و لحظه‌ای دیگر به سبزی و گاه به زردی زر ناب، جلوه می‌کند. بر فراز گردن طاووس، به جای یال، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار روییده است. (درس دوم، خوب جهان را ببین، صفحه ۱۹)	
۳	- بهلول گفت: « تو دعوی دانایی می‌کردی، اکنون به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم. بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید.» (درس هفتم، آداب نیکان، صفحه ۵۲)	
۴	- این کانون روشنی و راستی، این کشور مردان گُرد، یلانِ پُر دل، دلیران و شیران، پهلوانانی نامدار، سرزمینی است که ما بدان می‌نازیم و سر از همگنان برمی‌افرازیم. (درس سوم، ارمغان ایران، صفحه ۳۱)	
۵	- پایه‌های بُرجش از عاج و بلور رعد و برق شب، طنین خنده‌اش (درس یکم، پیش از اینها، صفحه ۱۲)	بر سرِ تختی نشسته با غرور سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش
جمع بارم : ۲۰ نمره		نام و نام خانوادگی مصحح :
		امضاء: